

دین مدنی

قربان علمی^۱

مجتبی زروانی^۲

حیدرعلی میمنه جهرمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۷/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۴/۱۱/۳

چکیده

بشر از گذشته دور متوجه این واقعیت بوده است که اگر اکثر مردم یک جامعه قلباً به قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی دلبستگی داشته و برای آنها تقدس قایل باشند قانون‌پذیری شهروندان به مراتب بیشتر خواهد بود. مردم نیز برای نشان دادن ارادت قلبی خود و ماندگاری آن باورهای مقدس، به اجرای مراسم و تشریفات خاصی می‌پردازند. مجموع این باورهای مقدس به همراه نمودهای بیرونی آن دین مدنی یک جامعه نامیده می‌شود. این مفهوم را در یونان و روم باستان و سپس در آثار برخی جامعه‌شناسان و فیلسوفان سیاسی مانند روسو و دورکیم می‌توان یافت اما تفصیل و رونق تازه این بحث را بایستی از زمان انتشار مقاله "دین مدنی امریکا" (۱۹۶۷) به وسیله "رابرت ان بلا" دانست. این جامعه‌شناس امریکایی مدعی شده که در جامعه امریکا، در کنار مسیحیت دین دیگری را کشف کرده که محور آن تقدس قوانین مدنی، افراد و اسناد مرتبط با آن است. وی این پدیده کشف‌شده را "دین مدنی" نامید. "بلا" سرانجام در آثار بعدی خود متوجه سستی پایه‌های دین مدنی گردید و در زمره منتقدان آن قرار گرفت. این مقاله عهده‌دار بیان ریشه‌ها، باورها و ارزیابی دین مدنی است.

کلید واژه‌ها دین، دین مدنی، سیاست، مشروعیت و تقدس.

Email: G_Elmi@yahoo.com

Email: zurvani@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

طرح مسأله

قدرت سیاسی مقوله‌ای مرکب است. ممکن است فرد یا گروهی در یک جامعه با دسترسی به منابع کمیابی چون ثروت، قدرت، معرفت و منزلت بر دیگران برتری یابند اما این برتری‌ها لزوماً به معنی داشتن قدرت سیاسی نیست. قدرت سیاسی یک هدف و دید معنی‌دار است که مردم یک جامعه عموماً آن را پذیرفته باشند. قدرت‌های سیاسی بدون این پذیرش عام از میان خواهند رفت و تاریخ در این خصوص گواه صادقی است. از این رو، قدرت‌های سیاسی می‌کوشند با مشروعیت بخشیدن به قدرت خود، آن را به اقتدار تبدیل کنند (نک: توسلی، ۱۳۸۴) در اندیشه افلاطونی، کمال مطلوب عقلی یا حکمت، عامل مشروعیت سیاسی است اما تجربه نشان داده است که حکمت به عنوان یک ایده‌آل با قدرت که یک واقعیت است کفو یکدیگر نیستند. حکمت و قدرت هیچ کدام نه با هم و نه مجزای از یکدیگر نتوانستند عواطف را در کنترل خود بگیرند و در نتیجه نتوانستند مشروعیت‌ساز باشند چون مشروعیت که مفهوم سرسپردگی و تسلیم را با خود به همراه دارد با عواطف آدمی سر و کار دارد. حکمت وقتی مشروعیت‌آفرین است که از حالت عقلی و فلسفی خارج و حالت دینی به خود گرفته باشد و تنها در این صورت است که مردم یک جامعه حاضرند برای آن بمیرند و بمیرانند.

نظریه دیگر درباره مشروعیت بخشی که جان لاک و کارل مارکس نمایندگان برجسته آن هستند، بنیان‌نهادن سیاست بر عقل بشری است. این نظریه نیز به دلیل این که بر سکولاریزم صرف متکی بود و تنها بر بعد سیاسی جوامع تأکید داشت، از ارزش‌های مقبول عام که رنگ متافیزیکی نیز به خود گرفته و سازنده هویت و شاکله سیاست‌ها بود، غافل ماند و نتوانست برای مدتی طولانی به راه خود ادامه دهد. هر جامعه برای خود عقاید، دلواپسی‌ها، و باورهایی دارد و برای بزرگداشت این عقاید و باورها آداب و رسومی برگزار می‌کند و این همان چیزی است که در جامعه‌شناسی، دین نامیده می‌شود. اما این دین که فوق سیاست است و سیاست برای کسب مشروعیت بایستی در خدمت این مافوق خود باشد و این خادم‌بودن را نیز پیوسته اعلام و اظهار کند، چیست و با دین‌های سنتی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

واکاوی نظری

همهٔ ادیان در این اعتقاد مشترک هستند که ورای ظواهری که ابراز می‌کنند حقایقی نهفته است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای گوناگون جامعه - از جمله سیاست - باشد. اعتقاد به این حقیقت برتر می‌تواند پایه اخلاق متافیزیکی نیز قرار گیرد و مردم را به سوی جهتی خاص سوق دهد. این نمونه از اخلاق که در ادیان ابراهیمی کاملاً مشهود است به چند شیوه بر سیاست تأثیرگذار است. یکی توصیه به همگان به ویژه زمامداران سیاسی در جهت رعایت تقوای فردی و سیاسی که اگر مورد توجه اهل سیاست قرار گیرد تأثیر عمیقی بر سیاست خواهد داشت، اما تجربه ثابت کرده است که این توصیه‌ها بیشتر به وسیله مردم عادی رعایت می‌شود. همین دستورات و سفارش‌ها، شبکهٔ لطیفی از هنجارها، تعهدات، امیدها و مفاهیم و آداب و رسوم یک جامعه را می‌سازد. این شبکهٔ گسترده، بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که اصطلاحاً به آن اخلاق گفته می‌شود. دیگر آن که اعمال تقوی و اخلاق با آن گستردگی، از سوی دین‌داران، با محدود کردن زمامداران سیاسی بر سیاست اثرگذار است. مثلاً در غرب، برخی گروه‌های دینی مانند انگلیکن‌ها و پرس‌بیتین‌ها^۱ در قرن هفتم بر سر اعمال تقوی در خصوص امور سیاسی رویه خاص خود را داشتند. برخی خواستار حذف شاه و کشیش بودند، برخی دیگر از تشکیل پارلمان حمایت می‌کردند یا بر آزادی تأکید داشتند. پاره‌ای از این دیدگاه‌های دینی آرام آرام شکل قانونی و رسمی به خود گرفت و قانون اساسی و مجلسین از آن متولد شدند. تقدسی که امروزه در غرب برای دموکراسی، قوانین مدنی و آزادی قائل‌اند در این تقدس دینی نهفته در آن، ریشه دارد (نک: پیمان شکسته، ۲۸). کسی که با این امور مخالفت کند به عنوان مخالف با مقدسات مورد خشم عمومی قرار می‌گیرد. هر چند، خشم‌گیرندگان ممکن است اکنون علایق دینی نداشته باشند. البته در این شبکهٔ لطیف اجتماعی مواد متعددی به کار رفته که باورهای دین سنتی نیز یکی از آنهاست و این ترکیب جدید به نوبهٔ خود نوعی دین را به وجود آورده است. برخی جامعه‌شناسان و ارباب سیاست در آن دیار کوشیده‌اند این نظام دینی جدید را مدون کنند. تولد اصطلاحاتی مانند "دین عمومی"، "دین کلی"، "دین جمهوری" و سرانجام مشهورتر از همه "دین مدنی" حاصل این

1. presbyterian

کوشش‌هاست. اصطلاح دین عمومی^۱ را اولین بار، بنیامین فرانکلین (۱۷۴۹م) به کار برد. مقصود وی از دین عمومی هنجارها و ارزش‌های مشترک مورد توافق مردم یک جامعه است (نک: ویلیام سواتس، ۳۹۳). از آنجا که ویژگی برجسته این دین، سیاسی‌بودن آن است و کسی انتظار ندارد که این دین نیازهای روحی و معنوی شهروندان را برآورده کند، این دین، رقیب دین‌های فردی نخواهد بود.

دین مدنی در اندیشه‌های کلاسیک و نوین

الف - یونان و روم باستان. بر اساس اساطیر یونان، زئوس خدای معروف و پر وظیفه یونان دارای فرزندان و اولاد و اعقاب بسیار است. پادشاهان، پهلوانان و بنیانگذاران شهرها و آبادی‌ها همه از نوادگان او به شمار می‌آوردند و به همین دلیل هم خود این افراد و هم قوانینی که وضع می‌کردند، مقدس تلقی می‌شدند، چون اعتقاد بر آن بود که، قوانینی که آنها به مردم ابلاغ می‌کردند ملهم از پدرشان زئوس بود و در نتیجه نباید شکسته می‌شد. سیسرون (ت ۱۰۶ ق.م)، قوانین را هم‌زاد خدای زمین و آسمان می‌دانست و با این استدلال که قوانین، عطای خدایان به بشر هستند برای آنها اعتبار ذاتی قائل بود (نک: برسفور فاستر، ۳۶۶). پیروان این قوانین مدنی که دارای منشأ الهی نیز بود، امت واحده و هم‌قطاران مدنی محسوب می‌شدند. از این رو، در آتن، آنچه افراد را به جامعه پیوند می‌زد، نه نژاد و خون بلکه همراهی در پیروی از قانون بود (نک: همان، ۳۸۱). همان‌طور که اطاعت آنان از حکومت نیز به دلیل ترس یا خشنودکردن حاکم نبود، بلکه به آن جهت بود که قوانین کشور را احکام خدایان می‌دانستند و حتی حاضر بودند برای حفظ آن جان خود را نثار کنند (نک: همان، ۳۸۴).

بنابراین، در یونان، دین و دولت یکی بود و شهروندان برای اثبات دین‌داری خود در مراسم حکومتی شرکت می‌کردند. حکومت، معابد را اداره می‌کرد و امور دنیوی مانند ولادت و ازدواج، تقدس یافته بود. به دلیل آنکه پهلوانان از اعقاب خدایان شمرده می‌شدند، ورزش و مسابقات ورزشی نیز امری عبادی و مقدس تلقی می‌شد (نک: ویلدورانت، ۲۳۲/۲). بسیاری از فیلسوفان و قدیسان مسیحی به ویژه از

آگوستین (۴۳۰ م) تا آکویناس (۱۲۷۴) نیز تحت تأثیر همین اندیشه یونانی معتقد بودند که حکومت‌ها به تقدیر الهی ایجاد می‌شوند و فرمانروایان اگر عدالت کنند قدرتشان ناشی از قدرت الهی است (نک: برسفور فاستر، ۴۵۵). مقدس بودن قوانین و احترامی که مردم در یونان باستان به قوانین اجتماعی - به عنوان امری که از جانب خدایان آمده - قائل بودند، جامعه‌شناسان و فیلسوفان سیاسی را به وجود نوعی متمایز از دین متوجه کرد که در آن، احکام حکومت دقیقاً و عیناً همان احکام دین است و شکستن قوانین سیاسی گناه محسوب می‌شود. این اندیشه، پایه طرح دین مدنی قرار گرفت.

ب - ژان ژاک روسو. اصطلاح دین مدنی را اولین بار، "ژان ژاک روسو" (۱۷۱۲-۱۷۷۸) فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، در بخش پایانی کتاب "قرارداد اجتماعی"^۱ به کار برد. بنا بر این کتاب، در دنیای باستان، هر جامعه خدای خاص خود را داشت. این خدا در رأس امور سیاسی جامعه نیز بود و به همین دلیل، دین و سیاست عین یکدیگر بودند و همه جنگ‌ها، جنگ‌های ملی - دینی بود. این روند با ظهور مسیحیت و تفکیک حکومت به دنیوی و روحانی از میان رفت. روسو در این اثر با سنجش میان دین و جامعه، دین را به دو بخش خاص و عام تقسیم می‌کند. مقصود وی از دین خاص مجموعه باورهای قلبی انسان‌ها است که به هیچ به معبد و مراسم رسمی نیاز ندارد. به اعتقاد او دین واقعی همین است. اما دین عام سه نوع است، یکی دینی که خدایانش مخصوص کشوری معین است و تشریفات از پیش تعیین شده‌ای دارد. پیروان این دین هر کسی را که به کیش آنها درنیامده باشد بیگانه می‌انگارند. در این جوامع حکومت دینی و دنیوی از یکدیگر جدا نیستند. نمونه این حکومت‌ها را در روم و یونان باستان می‌توان نشان داد. در حالی که، در برخی جوامع، قوانین دینی و حکومتی کاملاً از یکدیگر مجزا است. مردم یا باید تابع دین باشند یا از قوانین حکومتی اطاعت کنند. مسیحیت کاتولیک و آیین لامایی چنین هستند. به اعتقاد روسو اولین دین، چون به قلب آدمیان مربوط است به امور دنیایی و شکست و پیروزی آن اعتنایی ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند جامعه را اداره کند. علاوه بر این افراد جاه‌طلب نیز می‌توانند به راحتی از صداقت پیروان این دین سوء استفاده کنند. دومین دین از آن جهت که در

1. The Social contract (1762)

خدمت کشور و جامعه قرار می‌گیرد، مطلوب است. در این دین چون کشیش پیشوای سیاسی نیز هست شکستن قوانین جامعه گناه محسوب می‌شود. همان طور که، جان‌دادن در دفاع از این قوانین شهادت تلقی می‌گردد، اما عیب این دین آن است که اهل سیاست از احساسات دینی مردم در جهت منافع خود سوء استفاده می‌کنند و از طرفی چون خود را متصدی امور دین می‌دانند، مخالفان سیاسی خود را کافر و کشتن آنان را ثواب می‌دانند و به همین سبب با مخالفان به خشونت رفتار می‌کنند. سومین دین وحدت ملی کشور را دچار آشفتگی می‌کند و این عیب به قدری بزرگ است که برای رد یا انکار آن، نیازی به استدلال نیست.

روسو با این استدلال که حکومت تنها موظف است به امور اجتماعی مردم بپردازد و چون از امور اخروی خبر ندارد، نباید در عقاید شخصی مردم دخالت کند، از دین چهارمی نام می‌برد که حاصل وضع قوانین و مقررات اجتماعی به وسیله حکومت است. وی اظهار می‌دارد که این قوانین و مقررات گر چه دین به معنی متداول آن نیست ولی می‌توان آن را "دین مدنی" نامید. نباید کسی را به پذیرش این قوانین مجبور کرد ولی اگر کسی آن را پذیرفت نمی‌تواند از آن تخلف کند. ایمان به خدا، اعتقاد به نظام پاداش و جزا، مقدس بودن قراردادها و قوانین اجتماعی و تسامح نسبت به عقاید دیگران، اصول دین مدنی روسو را تشکیل می‌دهند. کسی که این اصول را پذیرفته باشد می‌تواند به هر دین و آیینی اعتقاد داشته باشد ولی باورهای او نباید برای این اصول مزاحمتی ایجاد کند.

ج - آگوست کنت. آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷م) می‌کوشید دانش جامعه‌شناسی را جایگزین الهیات و اعتقادات مابعدالطبیعه کند. به گفته او دانش بشر طی سه مرحله ربانی، فلسفی و علمی به تکامل می‌رسد. در مرحله نخست، انسان‌ها امور و حوادث طبیعی را به موجودات فوق طبیعی نسبت می‌دهند و از آنها کمک می‌طلبند. در مرحله دوم، انسان‌ها تا حدودی حوادث را با موازین عقلی می‌سنجند و سرانجام در مرحله نهایی، روابط میان امور و حوادث را کشف می‌کنند (نه لزوماً علت آنها را). کنت با تطبیق نظام‌های اجتماعی با این سه مرحله، اظهار می‌دارد که در مرحله ربانی، جامعه به وسیله کشیشان، در مرحله دوم به وسیله افراد عاقل و حقوقدان و در مرحله سوم، به دست جامعه‌شناسان اداره خواهد شد. جامعه‌شناسان حاکم، برای ایجاد لطافت در

جامعه از تزریق اخلاق به جامعه نیز غافل نیستند. البته هیچ‌کدام از این اصول و اخلاق از آسمان نیامده‌اند، بلکه محصول تجربه بشرند. کنت این تجربه بزرگ را "دین انسانیت"^۱ نامیده است. در این دین، آنچه پرستیده می‌شود ذات انسانیت است. بزرگانی که در طول تاریخ برای بشریت زحمت کشیده‌اند طی مراسم دینی خاص مورد تقدیر قرار می‌گیرند. این دین طبقه مقدس نیز دارد و در رأس این طبقه یک کشیش اعظم انسانیت قرار می‌گیرد. او معتقد بود قوانین جامعه در صورتی به طور کامل اجرا می‌شود که به صورت ایمان درآید و این مراسم و تشریفات در دین انسانیت به همین منظور طراحی شده بود (نک: ریتزن، ۱۶). کنت گر چه عبارت دین مدنی را به کار نبرد ولی دین انسانیت او از آن جهت که قوانین سیاسی و اجتماعی را به صورت ایمان عرضه می‌کرد و دارای مراسم و تشریفات شبه دینی است به مفهوم دین مدنی نزدیک است.

د - امیل دورکیم. دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) در کتاب معروفش "صور ابتدایی حیات دینی"^۲ با مبنا قراردادن دین در جوامع ابتدایی استرالیا و تعمیم آن به دیگر دین‌ها، کوشید این فرضیه را اثبات کند که نهادهای سیاسی در طول حیات بشر ذاتاً و اصالتاً دینی بوده‌اند و هستی جامعه و دین دقیقاً عین یکدیگرند. او توضیح داده است که انسان‌ها وقتی در یک گروه قرار می‌گیرند قدرتی به دست می‌آورند که از حاصل جمع قدرت تک‌تک افراد آن جامعه بسیار بالاتر است. این قدرت را می‌توان قدرت افکار عمومی نامید. دورکیم تأکید کرده است که حتی پدیده‌های علمی تنها در صورتی که به افکار عمومی تبدیل شوند و مردم به آنها ایمان پیدا کنند قابل اجرا خواهند بود. این قدرت عظیم حاصل از اجتماع افراد، به عنوان خدا مورد کرنش و پرستش قرار می‌گیرد و مقدس تلقی می‌گردد و مخالفان آن نامقدس شمرده می‌شوند و به این ترتیب مقدس و نامقدس شکل می‌گیرد. به اعتقاد او، ظهور مقدس و نامقدس به جوامع اولیه منحصر نیست، بلکه در جوامع مدرن نیز تحقق می‌یابد. تقدسی که امروزه برای آزادی و دموکراسی قائل‌اند درست به همین طریق پدید آمده است و ماهیتاً با تقدس دینی هیچ تفاوتی ندارد. همان‌طور که مراسم و تشریفات آنان با مراسم و تشریفات دینی فرقی نمی‌کند (نک: دورکیم، ۴۲۳-۴۲۲).

1. Religion of Humanity

2. The Elementary forms of the Religious Life, 1915.

دورکیم نیز عبارت دین مدنی را به کار نبرده، اما اصول و قواعد حاکم بر جامعه را که مورد تأیید جمع قرار گرفته باشد، دارای تقدس، و تشریفات برای نگه‌داشتن این تقدس را عین دین معرفی کرده است. بنابراین، دین نزد او به مدنی و غیرمدنی تقسیم نمی‌شود و همهٔ دین‌ها در واقع دین مدنی هستند.

ه- رابرت بلا. رابرت بلا^۱ جامعه‌شناس امریکایی در مقاله‌ای با عنوان "تکامل دینی"^۲ پس از تقسیم دین به دین‌های ابتدایی، باستانی، تاریخی، پیش‌مدرن و مدرن اظهار داشته است که با مطرح شدن پروتستانتیسم و باورهای دنیاگرایانهٔ آن، دوران پیش‌مدرن آغاز شد. در این دوران، نجات نه با دنیا‌گریزی، بلکه با مشارکت و فعالیت دنیایی تحقق می‌یابد. همچنین اعتقاد غالب آن است که هر کسی در درون خود، استعداد نجات‌یافتن را دارد و نیازی به واسطه نیست. این دیدگاه نظام پاپی و اقتدار او را به شدت تضعیف می‌کرد. با این نگرش پروتستانی، دنیا محل نمایش شکوه خدا و جای اجرای فرمان‌های او و فعالیت‌های دینی با دنیایی یکی است. در این مرحله ارزش‌های دینی بخشی از ساختار خود اجتماع تلقی گردید، اما در آخرین دورهٔ تکامل دینی که دورهٔ مدرن نامیده می‌شود، دین بر شالوده و ساختار خود انسان قرار گرفته است. سمبل‌سازی دینی به وسیلهٔ خود انسان و موقعیت او شکل می‌گیرد. دین مدرن با پذیرش قوانینی که خود انسان تجربه کرده، آغاز می‌شود. این خود انسان است که مسؤول سرنوشت خود است. او با توجه به توانایی‌ها و ضعف‌هایش جهان خود را می‌سازد. هر چند در ساختن این جهان جدید ممکن است از مصالح و نمادگرایی‌های سنتی نیز استفاده کند اما خود اوست که سمبل‌های دینی خود را به وجود می‌آورد. رابرت بلا از این روند به "تدبیر نجات هر کس به وسیلهٔ خودش" یاد می‌کند. او تأکید می‌کند که این روند را نباید سکولارشدن معنی کرد، زیرا انسان لزوم نجات را انکار نکرده است بلکه مفهوم و شیوهٔ آن را بر عهده تک تک افراد قرار داده است (نک: بلا، "مقالات انتقادی جامعه‌شناختی آمریکا").

اکنون در این دنیای مدرن بر آن دینی که به وسیلهٔ خود انسان‌ها ساخته می‌شود و خود آنها هستند که سمبل‌ها و مقدساتش را خلق می‌کنند، چه نامی می‌توان نهاد؟ این دین با هر نامی خوانده شود، زمینی و محصول اندیشهٔ بشر است و بایستی در

1. Robert. N. Bellah
2. Religious Evolution (1964)

همین قالب درک و داوری شود. بنابراین، نمی‌توان با شیوه‌ها و ابزاری که ادیان سنتی و وحیانی با آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند آن را مطالعه و بررسی کرد چون مفاهیم این گونه از ادیان در مباحث علم کلام و امثال آن نمی‌گنجد. از سوی دیگر سنجش با ابزار نامناسب ممکن است به داوری غیر منصفانه و حتی خصمانه منجر شود.

رابرت بلا در مقاله‌ای^۱ با عنوان "دین مدنی در آمریکا" (۱۹۶۷) این دین را "دین مدنی" نام نهاد. این مقاله که در حال و هوای تحولات فکری و هم‌زمان با جنگ ویتنام و مرگ بسیاری از سربازان آمریکا نگاشته شده بود، جنجال‌های بسیاری بر پا کرد و در رد و قبول آن مقالات متعددی به چاپ رسید و سمینارهای بزرگی ترتیب یافت و علی‌رغم گذشت حدود چهار دهه از چاپ این مقاله این بحث‌ها همچنان ادامه دارد. رابرت بلا در یک مصاحبه رادیویی در خصوص این مقاله گفت: من واقعا گمان نمی‌کنم که در آن لحظه از پدیده جدیدی (به نام دین مدنی) آگاه بودم اما یک بحران اخلاقی را در آمریکا احساس می‌کردم، می‌دیدم که در جنگی منفی درگیر شده‌ایم، با خود می‌اندیشید آیا در گذشته ما چیزی هست که بتواند ما را از این فلاکت برهاند؟ (نک: راشیل کهان).

ادعای اصلی بلا در این مقاله آن است که در کنار مسیحیت و کاملاً متمایز از آن، دین سازمان یافته دیگری وجود دارد که همه ویژگی‌های یک دین را دارا است. او برای اثبات ادعای خود، به این سنت دیرینه در نطق افتتاحیه رؤسای جمهور آمریکا استناد می‌کند که نام خدا را بر زبان می‌آورند و از او طلب کمک و تبرک می‌کنند ولی هیچ اشاره‌ای به مسیحیت یا دین دیگری ندارند. او یادآور می‌شود کندی که فردی کاتولیک بود سه بار نام خدا را بر زبان آورد، اما هیچ اشاره‌ای به مسیح، مسیحیت یا کلیسای کاتولیک نکرد. بنابراین، معلوم می‌شود خدایی که او به عنوان رئیس‌جمهور مطرح می‌کند و به پیشگاه او سوگند یاد می‌کند چیزی غیر از خدای مسیحیت است. چون آنجا عیسی مسیح خدای مسیحیت، اما در اینجا خدایی مورد نظر است که همه عقاید و مذاهب موجود در آمریکا بتوانند آن را بپذیرند.

بلا با این که تأکید دارد که دین مدنی غیر از مسیحیت است، کاملاً می‌پذیرد که در ساخت دین مدنی از مصالح مسیحیت مانند خروج، قوم برگزیده، سرزمین موعود و اورشلیم جدید نیز استفاده شده است، اما همهٔ اینها دلالتی جدید و امریکایی یافته‌اند. علی‌رغم این واقعیت، به دلیل وضعیت خاص فرهنگی در ایالات متحده، دین مدنی امریکا (برخلاف دین مدنی فرانسه) ضد مسیحیت یا ضد روحانیت نبوده است.

بعد از چاپ مقالهٔ دین مدنی، نویسنده، علاوه بر تأییدها و تشویق‌های فراوان با ایرادهای زیادی نیز روبرو گردید که عمده‌ترین آن بت قرار گرفتن کشور بود. مخالفان - به ویژه ارباب کلیسا - معتقد بودند در دین مدنی به جای پرستش خدا، مردم را به پرستش کشور و ملیت دعوت می‌کنند. نویسندهٔ مقاله البته این اتهام را به شدت رد کرده است ولی سرانجام از ادامه بحث راجع به دین مدنی اظهار ملالت نموده و استفاده از این واژه را متوقف ساخته است. وی در کتابی به نام "پیمان شکسته" دین مدنی امریکا را به صدفی شکسته^۱ و میان‌تهی تشبیه کرد (نک: ۱۴۲). این اعتراف دلیلی روشن و هشدار آشکار است که نمی‌توان بر بنیان‌های سست و شکننده ادیان و مکاتب ساخته ذهن بشر، بناهای استوار فکری و اعتقادی ساخت و لازم است دین‌های الهی همچنان به عنوان تکیه‌گاه محکم اندیشه و اخلاق جوامع بشری مورد توجه قرار داشته باشند.

دین مدنی در ترازوی تعریف و ممیزات دین

دین‌پژوهان نتوانسته‌اند تعریف فراگیری از دین ارائه دهند. به همین دلیل تعاریف دین را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند: یکی از این تعاریف تعریف امیک^۲ است. مقصود از این تعریف آن است که دین بودن یک پدیده را نه از نگاه ناظر بیرونی، بلکه از دیدگاه خود مردم یک جامعه تعریف کنند. بنابراین، دین آن چیزی است که مردم یک جامعه، آن را دین بدانند. بر این اساس دین مدنی را نیز می‌توان دین نامید.

رابطه بلا که بیش از همه در طرح دین مدنی سهم است تعریف مشخصی از آن را ارائه نکرده است ولی با جمع‌بندی سخنان او در همان مقالهٔ معروفش، می‌توان دین مدنی را این‌گونه تعریف کرد: "دین مدنی عناصر مشترکی از جهت‌گیری دینی

1. The Broken covenant (1975)

2. Emic

است که اکثر مردم یک جامعه در آن شریک باشند و کالبد حیات دینی آن جامعه را بسازد و دارای مجموعه‌ای از باورها، مقدسات، نمادها و شعائر باشد." یا به طور خلاصه‌تر دین مدنی، "مجموعه‌ای سازمان‌یافته از باورهای مقدس در باب ملت امریکا است."

رولاند شریل^۱ استاد مطالعات دین‌شناسی در دانشگاه ایندیانا در تعریف دین مدنی می‌گوید: "دین مدنی شکلی از سرسپردگی، دیدگاه و تعهد است که عمیقاً و به طور گسترده شهروندان یک کشور را با تصور و درکی که از امت مقدس، اندیشه مقدس، ویژگی مقدس و مفهوم مقدس برای کشورشان دارند متحد می‌سازد. شهروندانی که مبارکی و جایگاه ویژه و نقش خاص خود را در جهان و تاریخ بشریت، از جانب خدا می‌دانند." (نک: میورای، ۳).^۲

وی همچنین می‌گوید: دین مدنی شیوه‌ای رمزآلود^۳ است که در آن دین، سیاست، ملیت، میهن‌پرستی و غیره به وسیله دورنمای ایمانی که قدرت ملی را نشان می‌دهد به جریان افتاده است (نک: همان). تعریف‌های دیگر نیز از دین مدنی صورت گرفته است که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود. تعریف مختار مؤلف تعریفی است که کنت پترسن^۴ ارائه داده است. وی می‌گوید: دین مدنی مجموعه‌ای از اعتقادات درباره جهان است که به وسیله اکثر مردم یک جامعه پذیرفته شده باشد (نک: پترسن، ۴).

شیوه دیگر - به جز تعریف - برای تفکیک دین از غیر دین، شناسایی آن با مشخصه‌های ویژه دین است. برخی از این مشخصه‌ها عبارتند از: داشتن پیشینه، اسطوره، مفهوم نجات، اماکن مقدس، اعمال مقدس، اسناد مقدس، اجتماعات دینی و تجربه دینی.

آیا دین مدنی این مشخصه‌ها را دارد؟ حامیان دین مدنی می‌گویند دین مدنی پیشینه‌ای طولانی دارد که به یونان باستان بازمی‌گردد. هر چند، در آن دوران، عنوان دین مدنی شناخته شده نبود. دین مدنی، اسطوره‌های یونان باستان را به عاریت گرفته است و مجسمه‌هایی که از اولین رئیس جمهور امریکا (که اکنون در نظر

1. Rowland sherrill
2. Bruce Murry
3. mysterious way
4. Kent peterson

آمریکاییان، جنبه‌های اسطوره‌ای به خود گرفته است) ساخته شده است، به مجسمه‌های خدایان یونان شباهت زیادی دارد. مفهوم نجات در دین مدنی، نجات انسان‌ها از فقر و ایجاد رفاه و تساوی حقوق همه افراد و همه جوامع بشری است. دین مدنی مانند بقیه دین‌ها برای خود اماکن مقدس دارد مثلاً بنای یادبود واشینگتن و لینکلن، گورستان کشته‌شدگان جنگ، معبد "اول افیس"^۱ در کاخ سفید از جمله اماکن مقدس این دین به شمار می‌روند. مراسم زادروز تولد واشینگتن، مراسم چهارم ژولای و اجرای سرود ملی در مدارس نیز از اعمال مقدس این دین است. اعلامیه استقلال، قانون اساسی، متن خطابه تودیع جرج واشینگتن و سخنرانی معروف لینکلن را می‌توان از اسناد مقدس این دین دانست که در مراسم این دین از حفظ خوانده می‌شود. در دین مدنی مسابقات ورزشی به ویژه ورزش‌های خاص هر ناحیه را به دلیل اعتقاد قلبی و همراه بودنشان با برخی مراسم دین مدنی از اجتماعات دوره‌ای این دین قلمداد می‌کنند و مدعی هستند شرکت در این مسابقات معنویتی ایجاد می‌کند که آن را باید با رفتن به کلیسا مقایسه کرد. در خصوص تجربه دینی نیز حامیان دین مدنی معتقدند، بنیانگذاران امریکا در تدوین اعلامیه استقلال و قانون اساسی از الهام برخوردار بوده‌اند.

البته نمی‌توان ادعا کرد همه این مشخصات به یک میزان در همه ادیان از جمله دین مدنی وجود دارد اما وجود تعداد قابل توجهی از ویژگی‌های دین را می‌توان در دین مدنی نشان داد. علاوه بر اینها چون در دین مدنی اعتقاد بر این است که اصول و قواعد این دین ماحصل اراده خداوند و شکلی از پیوستگی مؤمنان با طرح مشیت الهی است و خداوند پیام خود را به ذهن و زبان مردم القا کرده و آنها را مسؤول برقراری سلطنت الهی، که نهایت آن برقراری دموکراسی کامل در جهان است، گردانده، نمی‌توان آن را پدیده‌ای سکولار تلقی کرد. مگر نه آن است که دین‌های دیگر نیز مدعی برقراری اراده خداوند بر زمین هستند؟ همچنین اگر این معنویت دین مدنی نبود، کاپیتالیسم به عنوان شیوه‌ای مبتنی بر سود و سرمایه نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. میهن‌دوستی در دین مدنی نیز با ناسیونالیسم تفاوت دارد، زیرا میهن‌دوستی در دین مدنی با معنویت همراه است (نک: میوری،)

خدا و اخلاق در دین مدنی

در دین مدنی روسو، خدایی قدرتمند و حکیم که پاداش و جزا می‌دهد و قوانین و مقررات اجتماعی را سخت محترم می‌شمارد پذیرفته شده است. وجود این خدا برای تقویت و تضمین اجرای قوانین اجتماعی - دست کم برای عوام مردم - ضروری است (نک: آدامز).

ایالات متحده امریکا کشوری است مهاجرنشین با فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون که پیروان هر دین، خدای خاص خود را می‌پرستند. از یک سو تبلیغ چندخدایی در امریکا به دلیل پیشینه توحیدی آن امکان نداشت و از سوی دیگر ایجاد وحدت میان فرهنگ‌های موجود نیز ضروری بود. از این رو، حل این مشکل را در معرفی خدایی که مقبول همگان باشد دانستند. معبدی جدید برپا شد که در آن مفهومی مشترک از خدا مورد پرستش قرار می‌گرفت. این معبود به قدری انعطاف داشت که دریافت‌های متعدد از خدا را پوشش می‌داد. این خدا که خدای دین مدنی امریکاست وجودی روحانی است اما یهوه، مسیح، الله، بودا یا کریشنا نیست و فقط خدا^۱ است. این خدا حتی می‌تواند مورد ستایش غیر مذهبی‌ها هم باشد چون یک توتم خداست و به آن جامعه تعلق دارد (نک: دریوری). خدای دین مدنی نام خاصی ندارد و بی‌نام و نشان است. غیر از بی‌نام و نشان بودن، واحد و برتر از هر خدای دیگر نیز هست. برای قانون و نظم، احترامی خاص قائل و در این مورد بسیار سختگیر است. او در جامعه و تاریخ حاضر است و مخصوصاً به سرنوشت مردم امریکا توجه و عنایتی ویژه دارد و مأموریت هدایت دیگر ملت‌ها را به آنها سپرده است. این مردم نیز در هر زمان رأی و نظر او را درک می‌کنند (نک: راشیل کهان).

بر اساس اخلاق دین مدنی، همه مردم بی‌گناه متولد می‌شوند و - بر خلاف مسیحیت - گناه موروثی وجود ندارد. گناه تنها گناه خود فرد و بزرگترین گناه تخلف از قانون است. در این دین، عشق و محبت در درجه دوم اهمیت است و آنچه رتبه اول را دارد قانون و اجرای مقررات است. فداکاری و جانبازی برای تحقق آرمان‌های دین مدنی از دیگر اصول اخلاقی این دین است. برخی پژوهش‌گران از جمله رابرت بلا این اخلاق را به جهت تنها منافع کشور و گروه خاصی را مدنظر می‌گیرد مورد انتقاد قرار داده‌اند (نک: بلا، بحران اخلاقی)^۲.

1. God
2. The Moral Crisis in American public Life

دین مدنی و جوامع اسلامی

پیش از این گذشت که دین مدنی پیوند تامی با مسیحیت داشته، در بستر آن متولد شده و بالیده است. گاهی با باورهای مسیحیت همراهی و گاهی با برخی آموزه‌های این دین مخالفت می‌کند و گاهی هم عباراتی را از آن دین اخذ می‌کند و به آن مفهوم جدیدی می‌بخشد. مثلاً در این دین، پرچم را صلیب دین مدنی و کسانی که آن را بر دوش می‌گیرند و برای آن می‌میرند به عیسی مسیح تشبیه می‌کنند (نک: کارلوین، ۴)، اما به هر حال و همیشه اولویت با قانون دین مدنی است و هر قانونی از جمله قوانین کلیسا تنها تا وقتی با اصول دین مدنی اصطکاک نداشته باشد قابل قبول است.

آیا این امکان وجود دارد که دین مدنی در جوامع اسلامی نیز متولد شود و رشد یابد؟ در این رابطه باید گفت که کارکرد دین مدنی مقدس کردن قوانین و مقررات اجتماعی به منظور تأمین ضمانت اجرای بهتر آنهاست اما در جوامع اسلامی که حاکم، خلیفه رسول خداست و قوانین و احکام او به عنوان احکام ثانویه، اصولاً دینی و در نتیجه، مقدس شمرده می‌شود، دین مدنی جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر، اسلام، بر خلاف مسیحیت، این ویژگی اصلی دین مدنی را در درون خود دارد.

همان گونه که بلا اشاره می‌کند دین مدنی امریکا به صدفی شکسته و میان‌تهی می‌ماند که نمی‌توان بر بنیان‌های سست و شکننده آن، بناهای محکم فکری و اعتقادی ساخت و نظام اخلاقی را بر آن بنا نمود. از این رو، اسلام، که به نیازهای مادی و معنوی انسان، هر دو، توجه دارد، ضمن اینکه همه نقاط مثبت دین مدنی را دارد نقاط منفی آن را فاقد بوده و با وجود چنین آیینی، دین مدنی نمی‌تواند در جوامع اسلامی جایگاهی داشته باشد.

گستره جغرافیایی دین مدنی

امریکا، امریکا پر رونق‌ترین و مشهورترین دین مدنی را دارا است. بیشتر کسانی که از انگلستان به امریکا مهاجرت کردند و بنیان امریکای جدید را نهادند از شاخه مذهبی پیوریتنی بودند. پیوریتن‌ها، خود را از نسل مریم مقدس و در نتیجه دارای نژاد برتر می‌دانستند و معتقد بودند در هر شهر و دیاری که باشند آن شهر، چراغ هدایت

دیگران خواهد شد. در جریان مبارزات استقلال طلبانه مردم امریکا و همچنین در خلال جنگ‌های داخلی این کشور طرفین متخاصم از ادبیات کتاب مقدسی استفاده می‌کردند مثلاً "دجال" و "لانه شیطان" را در توصیف انگلستان و "بنی اسرائیل جدید"، "سرزمین جدید" و با الهام از انجیل متی (نک: ۵/۱۴) "شهر روی تپه که چراغ هدایت دیگران است" را برای اشاره سرزمین امریکا به کار می‌بردند. الکسیس دو توکویل^۱ محقق و سیاستمدار فرانسوی که در سال ۱۸۳۰-۱۸۳۱م از امریکا دیدن کرده اظهار داشته است که امریکاییان برای خود و تاریخشان نوعی جذبه عرفانی قایلاند و بهره‌ای از مشیت الهی دارند (دموکراسی در امریکا، ۵۲۶). همین اندیشه در تدوین اعلامیه استقلال و قانون اساسی امریکا نمود یافته است و خمیرمایه دین مدنی آن کشور شمرده می‌شود. در دین مدنی امریکا علاوه بر اندیشه دینی پیوریتن‌ها، سنت‌های رومی و یونانی نیز مشاهده می‌شود. این سنت‌ها را می‌توان در معماری بسیاری از ساختمان‌های مهم مانند ساختمان کنگره امریکا و مجسمه‌های بنیانگذاران امریکا ملاحظه کرد. به ترکیب فوق، اندیشه‌های دئیستی و فلسفه‌های نوین سیاسی را نیز باید افزود.

در امریکا دو قرائت از دین مدنی وجود دارد. یکی از آنها قدرت و رونق امریکا را به دلیل ارتباط برجسته و تاریخی این کشور با خدا تفسیر می‌کند و مشروعیت این نظام را به دلیل دل‌بستگی‌های بنیانگذاران و تدوین‌کنندگان اعلامیه استقلال به ارزش‌های یهودی - مسیحی و ملهم‌بودن آنان می‌داند (ادوارد، ۲۰). حضور چند تن از روحانیون در مراسم سخنرانی افتتاحیه رئیس جمهور و اولین جلسه کنگره را می‌توان از نشانه‌های نفوذ این قرائت از دین مدنی تفسیر کرد. قرائت دیگر، قرائت لیبرالیستی است. حامیان این قرائت علی‌رغم احترامی که به پدران بنیانگذار دارند اما برگزیده بودن مردم امریکا را ادعایی متکبرانه می‌دانند و بیشتر بر بشریت به طور کل - نه صرف مردم امریکا - تأکید دارند. آنان برای امریکا نقش مهمی در جهان قائل‌اند، اما نه به دلیل آنکه مسکن برگزیدگان خداست بلکه به آن جهت که کشوری توانمند است و برای تخفیف دردهای دیگر مردمان مسؤولیت بیشتری دارد. لیبرال‌ها نقش ایمان را منکر نیستند ولی اصرار دارند که پدران بنیانگذار، قانون اساسی را میثاقی سکولار می‌دانسته‌اند.

1. Alexis de Tocqueville

ایتالیا. در جنوب ایتالیا شهری به نام سی‌ینا^۱ وجود دارد. که در قرون وسطی دائماً از طرف همسایه پر قدرت خود فلورنتینز^۲ مورد هجوم قرار می‌گرفت. در جریان یکی از هجوم‌های سنگین، اسقف بزرگ شهر سی‌ینا به مردم و مقامات مدنی شهر پیشنهاد کرد شهر و اموال خود را به مریم مقدس وقف کنند. با پذیرش این پیشنهاد، کلید شهر در کلیسا مقدس شد و تحویل مقامات مدنی گردید. مردم سی‌ینا بدون کوچکترین نبردی به طور معجزه‌آسایی بر دشمن پیروز شدند. تردیدی وجود نداشت که این پیروزی با معجزه مریم مقدس صورت گرفته است. هر ساله این واقعه طی مراسم خاصی بزرگ داشته می‌شود. از جمله این مراسم مسابقات اسب‌دوانی است. اسب‌ها و پرچم‌ها در کلیساهای محلی تبرک می‌شوند، پرچم گروه پیروز، یک پرچم کاملاً مقدس است و پرچم‌های دیگر را برای تقدس به آن پرچم می‌مالند. هنگام برگزاری مراسم اصلی، بزرگترها در محلی مخصوص، کودکانی را که طی سال گذشته متولد شده‌اند، برای عضویت در این مراسم، تعمیم می‌دهند. این تعمیم به وسیله افراد غیر کلیسایی انجام می‌شود و تعمیم‌یافته به آن شهر و قوانین آن متعهد می‌شود نه به کلیسا. پژوهش‌گران این گونه باورها و مراسم را دین مدنی این کشور نامیده‌اند (نک: پارسون، ۲۱۶).

فرانسه. در فرانسه قرن هفتم، این شعار رواج داشت که خداوند فرانسه را از جاهای دیگر بیشتر دوست دارد. ژاندراک^۳ اظهار می‌داشت که جنگ برای پادشاهی فرانسه جنگ برای عیسی مسیح است. از طرف دیگر انگلیسی‌ها او را محکوم می‌کردند که ادعا کرده از آسمان وحی دریافت می‌کند. در حالی که، دروغ بودنش کاملاً آشکار است، زیرا وحی جز به زبان انگلیسی میسر نیست. در جریان این جنگ‌ها که به نام دین بود مردم از دین متنفر شدند و زمینه برای سکولاریزم فراهم آمد. ناتوانی کلیسا در پاسخ‌گویی به نیازهای فکری مردم نیز به این روند دامن زد و به این ترتیب، انقلاب فرانسه انقلابی سکولاریستی شد. دولت‌مردان فرانسه بر خلاف امریکاییان در سخنرانی خود نامی از خدا نمی‌برند، اما به مقابر و سنگ یادبود بزرگان خود ادای احترام می‌کنند و برای کشتگان خود معبدی دارند. با این حال، در هیچ کدام از اینها

1. Siena
2. Florentines
3. Joan of Arc

نامی از خدا برده نمی‌شود. به این ترتیب، دین مدنی فرانسه دینی سکولار است (نک: ویکیپدیا، مدخل دین مدنی). در برخی کشورهای دیگر مانند ژاپن و اسرائیل نیز دین مدنی وجود دارد.

نتیجه

الف - نقاط قوت دینی مدنی. حامیان دین مدنی بر وحدت‌بخشی این دین به عنوان مهمترین نقطه قوت آن تأکید کرده و اظهار می‌دارند در دین مدنی، معبد، کلیسا، مسجد، افراد یک جامعه را از یکدیگر جدا نمی‌کند چون همه آحاد مردم با هر دین و مذهبی، به ارزش‌های مشترک کشور وفادار هستند. دین مدنی همانند ادیان دیگر مخالفان خود را کافر و مشرک نمی‌داند و با پیروان دیگر عقاید و ادیان، با تسامح رفتار می‌کند. نکته مثبت دیگر در دین مدنی، مشروعیت‌بخشی این دین به نظام سیاسی و اقتصادی جامعه از طریق ترسیم نظم ملی - الهی برای این نظام‌ها است. همه جوامع در همه زمان‌ها نیازمند قانون هستند. از این رو، می‌توان گفت عمر قانون جاودان است. دین مدنی نیز که همزاد و همراه قانون است و خود را به روز می‌کند هرگز از میان نمی‌رود، حتی به حاشیه جامعه نیز رانده نمی‌شود و همیشه هست. دین مدنی به دنبال ایده‌آل‌ها و بایدهای ذهنی و خیالی نیست، بلکه قوانینی را مقدس می‌کند و به اجرای آن فرمان می‌دهد که تجربه، صحت، مفید و شدنی بودن آنها را اثبات کرده باشد. اگر در عمل معلوم شد قانونی ناموفق است آن را به راحتی با قانون جدید عوض می‌کند. دین مدنی همچون چتری بزرگ همه عقاید و فرهنگ‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد. چون قوانین و اصول آن مطابق خواست عموم است. اداره جامعه و تدوین قوانین آن به وسیله مردم روندی است که جهانیان آن را غالباً به دیده قبول می‌نگرند. به همین دلیل، دین مدنی به جامعه‌ای خاص منحصر نیست و امکان گسترش به همه جهان را دارد و می‌تواند مقدمه خوبی برای دین جهانی باشد. در دین مدنی، مسئولیت اخلاقی مردم بر وجدان ملی آنها بنا شده است، یعنی خود را به اخلاقی ملتزم می‌دانند که خود به درستی آن رأی داده‌اند. به همین دلیل این اصول اخلاقی، بر خلاف اخلاق دیکته‌شده از جای دیگر، کاملاً محکم است. در این دین حاکمان سیاسی به دیکتاتوری کشیده نمی‌شوند چون موظف هستند مجری احکام مردم باشند نه تفسیرها و خواهش‌های خود. این دین هنگام لزوم و آن‌گاه که کشور

با بحران روبرو شود به خوبی می‌تواند روحیه شجاعت و ایثار را در پیروان خود تحریک کند.

ب - نقاط ضعف دین مدنی. عمده‌ترین ایرادی که به دین مدنی وارد کرده‌اند رواج کشورپرستی است. مخالفان معتقدند در این دین کشور به جای خدا پرستیده می‌شود و در واقع نوعی بت‌پرستی است. رابرت بلا این اتهام را رد و آن را نه شکلی از پرستش ملیت، بلکه اطاعت ملت از فهمی درونی از دین تفسیر می‌کند (نک: دین مدنی در آمریکا، ۱۶۸)، ایراد دیگر، آن که در مقابل ادعای وحدت‌بخشی دین مدنی، برخی ادعا می‌کنند نه تنها وحدتی ایجاد نکرده، بلکه موجب تفرقه نیز شده است. چون تفسیر مسلمانان، بودایی‌ها و مسیحی‌ها که در یک جامعه زندگی می‌کنند از دین مدنی متفاوت است. علاوه بر این، جوامعی مانند سوییس که دین مدنی ندارند وحدت و انسجام اجتماعی بهتری دارند. بر خلاف آنچه تصور می‌شود دین مدنی با مخالفان تسامح ندارد. در این دین عملاً پیروان ادیان غیرمسیحی و یهودی از حقوقی برخوردار نیستند. تسامح دین مدنی تنها فرق مسیحی را دربرمی‌گیرد. روزهای تعطیل مقدس دین مدنی هم همان تعطیلات مقدس مسیحیت است و نمایندگان مجلسین آمریکا نیز تحت رهبری معنوی کشیش تشکیل جلسه می‌دهند. به ویژه در بحران‌های ملی هر اعتراضی به عنوان مخالفت با منافع ملی سرکوب می‌شود. "پانلیست مایتسینگ"^۱ یکی از سیک‌های هندی تبار امریکایی می‌گوید: "بعد از یازده سپتامبر باید یک پرچم همراه داشت و گر نه به دیده شک به تو خواهند نگرست (نک: کاستن پاتریکا). دین مدنی احساسات ملی یک ملت را در حد افراطی تحریک می‌کند و این می‌تواند برای کسانی که دیگران را محور شرارت می‌خوانند ابزار هر کار خطرناکی باشد. این امر اختصاصی به دین مدنی آمریکا ندارد. نمونه‌های دیگر این دین در دیگر کشورها نیز نسبت به دیگران از خود تسامحی نشان نداده‌اند. نازی‌های آلمان که خون و خاک را به صورت تعهد و الزام دینی درآورده، امپراتوری آلمان را با آن بنا کرده بودند، به عنوان این که یهودیان مردمی منحرف و از نژاد ناپاک هستند، آنان را می‌کشتند و تبعید می‌کردند و این کار را به نام خدای خودشان "ایدول" انجام می‌دادند و خدای آنها چیزی جز کشورشان نبود. دین مدنی، تنها شیوه درست و مورد عنایت

1. panelist maittsing

خدا دموکراسی معرفی و مخالفت با دموکراسی، مخالفت با خدا تلقی می‌شود یا معترض را به مزدوری بیگانه متهم می‌کنند. در این دین اخلاق نسبی است. مثلاً اگر زمانی سود در برده‌داری باشد برده‌داری عملی اخلاقی معرفی می‌شود، یعنی صاحبان دین مدنی به نوعی همه رفتارهای ناشایست جامعه خود را توجیه می‌کنند. با توجه به ایرادهای وارده گاهی به جای دین مدنی، پلورالیزم دینی را مطرح و استدلال می‌کنند. دین مدنی لعبی شکننده بر روی اختلاف میان ادیان و مذاهب می‌کشد بدون آنکه اختلاف‌ها حل شده باشد. در حالی که، راه حل درست نه پوشاندن اختلاف‌ها، بلکه به رسمیت شناختن آنها است. بهتر است به جای دین مدنی به همه ادیان فرصت داده شود تا برنامه‌های خود را برای حل معضلات جامعه ارائه دهند. در این صورت، درخت دین با همه شاخ و برگ‌هایش می‌ماند (نک: ساندر گریفیون). حاصل آن که، در مغرب زمین به ویژه امریکا، موضوع دین مدنی همچنان مورد بحث دین‌پژوهان و جامعه‌شناسان است.

فهرست منابع

۱. برسفور فاستر، مایکل، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۲. توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، سمت، تهران، ۱۳۶۷.
۳. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه طباطبائی و دیگران، انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶-۷۰.
۴. ریترز، جورج، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۷۴.
5. Adams, David, L., *The Anonymous God American Civil Religion, the scandal of particularity and first table of the tarah* (2002)
[<http://det.csl.edu/faculty/adams/presentations/anonymousgod.pdf>]
6. Bellah N. Robert, *The Moral Crisis in American public*, 1967 Life.
[<http://publicaffair.smsu.edu/why/articles/bellah.htm>]
7. _____, *The Broken Covenant American civil Religion in Time of Trial*, New york, 1975.
8. _____, *civil religion in America*, in R.E.Richey and D.G. Jones (eds) *American civil religion*, New york, Harper nad Row, 1991.
9. _____, *American Sociological Review*, vol.29, 1964.

10. Bruce, Murray, With God on our side. How American civil religion permeates society and manifests itself in public life. [www.facnet.org/issues/faith/sherrill-indy.php].
11. Carolyn Marvin, Blood Sacrifice and The Nation, Journal of the American Academy of Religion, 64(4), 1996.
12. Clayton, Edward, Cicero, The Internet Encyclopedia of Philosophy, general editor Bradley Dowden, Ph.D., James Fieser, Ph.D. [http://www.iep.utm.edu/c/cicero.htm].
13. Durkheim, Emile, The Elementary form of the Religious Life, translated from the french by Joseph ward Swain , free press, New york, 1915.
14. Franklin, Benjamin, Proposals Relating to the Education of Youth in Pensilvania, Liberal Education, Philadelphia, 1749.
15. Frederick Edwards, The Religious Character of American Patriotism, 1987.
16. Keith Drury, when Americans turn to god, which god is it? 2001. [www.indwe.edu/Tuesday/1 civil.htm].
17. Parsons, Gerald, Perspectives on civil Religions, Ashgate, the open university, 2002.
18. Patricia Kasten, U.S. civil religion, The Compass, Official Newspaper of the Catholic Diocese of Green Bay, Wisconsin, March 1, 2002.
19. Kent Peterson, Jeffèris, The Church and Pop Culture Developing a Christian Worldview in a Pagan Nation , *Lecture 4 American Civil Religion*, 1994. [http://www.scholarscorner.com/Courses/Ethics/ChurchPOPC/C&PCSyl.html]
20. Rachael Kohn(Presenter & Executive Producer), In God We Trust: Civil and Uncivil Religion in America, Radio National , on Sunday 25/06/00 [Encounter is broadcast on Sunday at 7.10am, repeated Wednesday at 7.10pm, on Radio National, the Australian Broadcasting Corporation's national radio network of ideas] [http:// www. abc. net. au /rn/ relig/ enc/stories/s143139.htm].
21. Rousseau, Jean Jacques, The social contract., Trans. G.D.H. Cole, , 1762
22. Griffion, Sander, After civil religion, Institute for study of religion and liberty, free university of Amsterdam, V.5 N.1, 2002.
23. Tocqueville, Alexis de, Democracy In America, 1835 [refer to. Eliade, Encyclopedia of Religion, Civil Religion].
24. Wikipedia the free encyclopedia, [http://en.eikipedia, org wiki/ talk:civil religion].
25. William H Swatos, J.R, Encyclopedia of Religion and society, London, 1998.

Civil Religion

Ghorban Elmi

Associate Professor of Tehran University

Mojtaba Zurvani

Assistant Professor of Tehran University

Heidar Ali Maimaneh

Ph.D Student of Tehran University

Abstract

It is evident that the more the majority of the people of a society are attached to the Social and political Laws and regard them sacred the more they accept them.

Human beings observe special rites to show their devotion to the sacred beliefs. A set of these sacred beliefs along with external symbols of them is called the civil religion of a society. We can find it in ancient Greece and Rome, and then in the works of many sociologists and political philosophers such as Rousseau and Durkheim. In modern age, Robert Bella, the American sociologist, claimed that he has discovered another religion besides Christianity but separated from it in the United States. Its basis was the sacredness of civil laws, individuals and related documents. He called this phenomenon civil religion.

This paper wants to study critically the root and beliefs of civil religion.

Key words: Religion, civil religion, politics, legitimacy, sacredness

Bibliography

1. Adams, David, L., The Anonymous God American Civil Religion, the scandal of particularity and first table of the tarah (2002) [<http://det.csl.edu/faculty/adams/presentations/aninymousgod.pdf>]

2. Bellah N. Robert, *The Moral Crisis in American public Life*[<http://publicaffair.smsu.edu/why/articles/bellah.htm>], 1967.
3. -----, *The Broken Covenant American civil Religion in Time of Trial*, New York, 1975.
4. -----, *civil religion in America*, in R.E.Richey and D.G. Jones (eds) *American civil religion*, New York, Harper and Row, 1991.
5. -----, *American Sociological Review*, vol.29,1964.
6. Bersphor, F., *Khodavandan andisheh siyasi*, tr. By Sheikh al-Islami, Tehran, 1380 A.H.
7. Bruce, Murray, *With God on our side. How American civil religion permeates society and manifests itself in public life* [www.facnet.org/issues/faith/sherrill-indy.php].
8. Carolyn Marvin, *Blood Sacrifice and The Nation*, *Journal of the American Academy of Religion*,64(4), 1996.
9. Clayton, Edward Cicero, *The Internet Encyclopedia of Philosophy*, general editor Bradley Dowden, Ph.D., James Fieser, PhD [<http://www.iep.utm.edu/c/cicero.htm>].
10. Durant, W., *History of Civilization*, tr. By Tabatabaai & ..., Tehran, 1370 A.H.
11. Durkheim, Emile, *The Elementary form of the Religious Life*, translated from the French by Joseph ward Swain, free press, New York, 1915.
12. Franklin, Benjamin, *Proposals Relating to the Education of Youth in Pennsylvania*, Liberal Education, Philadelphia 1749.
13. Frederick Edwards, *the Religious Character of American Patriotism*, 1987.
14. Keith Drury, *when Americans turn to god, which god is it?* 2001 [www.indwe.edu/Tuesday/1civil.htm].
15. Parsons, Gerald, *Perspectives on civil Religions*, Ashgate, the open university, 2002.
16. Kasten, Patricia, *U.S. civil religion*, *The Compass*, Official Newspaper of the Catholic Diocese of Green Bay, Wisconsin, March 1, 2002.
17. Kent Peterson, Jefferies, *The Church and Pop Culture Developing a Christian Worldview in a Pagan Nation*, *Lecture 4 American Civil Religion*,1994. [<http://www.scholarscorner.com/Courses/Ethics/ChurchPOPC/C&PCSyl.html>].
18. Rachael Kohn(Presenter & Executive Producer), *In God We Trust: Civil and Uncivil Religion in America*, Radio National, on Sunday

25/06/00 [Encounter is broadcast on Sunday at 7.10am, repeated Wednesday at 7.10pm, on Radio National, the Australian Broadcasting Corporation's national radio network of ideas]. [http://www.abc.net.au/rn/relig/enc/stories/s143139.htm].

19. Ritters, G. Theory of Sociology in Modern times, tr. By solasi, Tehran, 1374A.h.
20. Rousseau, Jean Jacques, The social contract., Trans.G.D.H.Cole, 1762.Griffon, Sander, After civil religion, Institute for study of religion and liberty, free university of Amsterdam, V.5 N.1, 2002.
21. Tavassoli, Gh., Theories of Sociology, Tehran, 1367 A.H.
22. Tocqueville, Alexis de, Democracy In America, 1835 [refer to. Eliade, Encyclopedia of Religion, Civil Religion].
23. Wikipedia the free encyclopedia.
[http://en.eikpedia, org wiki/ talk:civil religion].
24. William H Swatos, J.R, Encyclopedia of Religion and society, London, 1998.

